

Correction of twenty-six verses from Saadi's Bustan

corrected by Dr Gholamhossein Yousefi

Ma'sume Musayi*

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Allame Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

Among the famous and reliable corrections of Sa'di's Bustan, including the corrected version of Professor Gholamhossein Yousefi, despite many merits, there are some mistakes.

Professor Yousefi's proofreading is important in the literary and academic community and is used and cited by professors and students as one of the main sources of Saadi's poetry. The author, who has been teaching gardens at the university for several years, while appreciating the valuable efforts of Professor Yousefi, she considers it her duty to share with the readers of this work, the problems that have occurred to her while studying and teaching.

For this purpose, she first extracted the verses that seemed to have a vertical connection with other verses in terms of meaning or syntactic structure, etc. Saadi and sometimes other poets chose the preferred recording.

Therefore, in this article, twenty-six examples of these problems are classified and discussed in the following order:

1. Problems related to the meaning of the word or sentence.
2. Verses that do not match Saadi's speech style.
3. Problems that are related to the syntax of words.
4. Problems caused by not paying attention to the script of the text.
5. Problems related to the vertical connection of verses.

Keywords: Bustan, Sa'di, Correction, Gholamhossein Yousefi.

* mmusayi@yahoo.com

تصحیح بیست و شش بیت از بوستان سعدی مصحح دکتر غلامحسین یوسفی

معصومه موسایی[□]

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

در میان تصحیحات معتبر و مشهور بوستان سعدی، از جمله نسخه مصحح استاد غلامحسین یوسفی، با وجود محاسن بسیار، اشتباهاتی نیز به چشم می‌آید و با توجه به اینکه تصحیح استاد یوسفی در جامعه ادبی و دانشگاهی از اهمیت خاصی برخوردار است و به عنوان یکی از منابع اصلی درس اشعار سعدی مورد استفاده و استناد استادان و دانشجویان است، نگارنده که سالیانی چند به تدریس بوستان در دانشگاه اشتغال دارد، ضمن ارج نهادن به زحمات و کوششهای ارزنده استاد یوسفی، بر خود فرض می‌داند اشکالاتی که حین مطالعه و تدریس به نظرش رسیده است با خوانندگان این اثر به ویژه قشر دانشگاهی در میان بگذارد.

بدین منظور، نخست بیتهایی که به نظر می‌رسید از لحاظ معنایی یا ساختار نحوی، ارتباط عمودی با بیتهای دیگر و... اشکال و ایرادی دارد، استخراج کرد و با مراجعه به شرح نسخه‌بدلها، به شیوه فنی و قیاسی با استناد و استشهاد به اشعار سعدی و بعضا شاعران دیگر، ضبط ارجح را انتخاب کرد. از این رو در مقاله حاضر، بیست و شش نمونه از این اشکالات طبقه‌بندی و به ترتیب زیر مطرح و بررسی شده است:

(۱) اشکالاتی که به معنای کلمه یا جمله مربوط می‌شود.

(۲) بیتهایی که با سبک سخن سعدی همخوانی ندارد.

(۳) اشکالاتی که مربوط به نحو کلام است.

(۴) اشکالاتی که ناشی از بی‌توجهی به رسم الخط متن است.

(۵) اشکالاتی که به ارتباط عمودی ابیات مربوط می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بوستان، سعدی، تصحیح، غلامحسین یوسفی

مقدمه

کتاب ارزشمند بوستان از آغاز تألیف تاکنون از جهات مختلف مورد توجه خاص و عام بوده و هست؛ چنانکه:

۱. در سالهای دور از مهمترین منابع درسی مکتبخانه‌ها و مدارس بوده و هم‌اکنون در دانشکده‌های ادبیات نیز تدریس می‌شود.
۲. گزیده‌های متعددی از آن تهیه شده.
۳. به زبانهای مختلف ترجمه شده است.
۴. استادان بزرگی همچون سودی بسنوی، محمدعلی ناصح، محمد خزائلی، غلامحسین یوسفی و... هر کدام به نحوی به شرح و توضیح بوستان پرداخته‌اند.
۵. برخی از محققان اروپایی و ایرانی به تصحیح آن همت گماشتند؛ از جمله: کارل هاینریش گراف آلمانی، رستم علی اف روسی، سودی بسنوی، حبیب یغمایی، عبدالعظیم قریب، محمدعلی فروغی، اسماعیل امیرخیزی، محمدعلی ناصح، نورالله ایزدپرست و غلامحسین یوسفی.

از این میان، تصحیح غلامحسین یوسفی و محمدعلی فروغی بیشتر مورد استفاده و استناد قرار گرفته است و در سالهای اخیر، تصحیح غلامحسین یوسفی به عنوان معتبرترین تصحیح انتقادی، از اقبال و استقبال بیشتری برخوردار شده است و در اغلب دانشکده‌های ادبیات، همین چاپ معرفی و تدریس می‌شود.

استاد یوسفی متن بوستان را با استفاده از ده نسخه خطی تصحیح کرده و از چاپهای معتبر و شرحها و ترجمه‌های بوستان نیز استفاده کرده است. اساس کار ایشان نسخه خطی کلیات سعدی متعلق به گریبوی است که تاریخ تحریر آن ماه صفر ۷۲۰ و نسخه‌ای است کامل و معتبر (سعدی، ۱۳۷۲: ۱۳) و از میان نسخ دیگر، به نسخه خطی کلیات سعدی کتابخانه دیوان هند در لندن نیز که آن هم نسخه‌ای معتبر است، توجه خاص شده. (همان: ۱۵)

نویسنده مقاله حاضر که سالهاست تدریس بوستان را در دانشگاه برعهده دارد و منبع اصلی او بوستان مصحح استاد یوسفی است، در طی مدت تدریس، به مواردی برخورد که به نظر می‌رسید ضبط واژه یا جمله از لحاظ معنایی یا نحوی اشکال دارد، یا با سبک سخن سعدی همخوان نیست، یا بین برخی ابیات، ارتباط عمودی برقرار نیست و... از این رو در مقاله حاضر، حاصل تأملات خود را در تصحیح مواردی از این دست در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

پیشینه پژوهش

در باب تصحیح بوستان به ویژه در نقد تصحیح یوسفی، دو پژوهش انجام شده است: کتاب «بازیافت بوستانی‌های سعدی» تألیف دکتر جعفر مؤید شیرازی که در آن صد و ده بیت از بوستان، به لحاظ تصحیح بررسی شده است و مقاله «نقد و نظری بر شرح و تصحیح ابیاتی از بوستان سعدی» از دکتر محمد نیک‌منش که به بررسی دوازده بیت پرداخته شده و البته اغلب به شرح ابیات مربوط می‌شود.

بدیهی است مواردی که نگارنده این سطور، نقد و بررسی کرده است، جدای از ابیاتی است که در پژوهشهای پیشین آمده؛ به جز سه بیت (بیت‌های ۳۲، ۲۵۲۰، ۲۶۳۵) که در تکمیل نظر دکتر مؤید شیرازی مطرح شده است. (نک: مؤید شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۳، ۱۳۲، ۱۳۵)

روش پژوهش

نگارنده نخست بیت‌هایی که به نظر می‌رسید از لحاظ معنایی یا ساختار نحوی، ارتباط عمودی با بیت‌های دیگر و... اشکال و ایرادی دارد، استخراج کرد و با مراجعه به شرح نسخه‌بدلهایی که استاد یوسفی در پایان کتاب آورده است، ضبط‌های مختلف را با توجه به سبک سخن سعدی بررسی کرد و به شیوه فنی و قیاسی با استناد و استشهاد به اشعار سعدی و بعضا شاعران دیگر، ضبط ارجح را انتخاب کرد و در مقاله حاضر، تعداد بیست و شش بیت از اینگونه ابیات را نقد و بررسی کرده است. اشکالات یادشده به طور کلی پنج دسته است به ترتیب زیر:

(۱) اشکالاتی که به معنای کلمه یا جمله مربوط می‌شود.

(۲) اشکالاتی که با سبک سخن سعدی همخوانی ندارد.

(۳) اشکالاتی که مربوط به نحو کلام است.

(۴) اشکالاتی که ناشی از بی‌توجهی به رسم الخط متن است.

(۵) اشکالاتی که به ارتباط عمودی ابیات مربوط می‌شود.

بنابر این بیت‌ها به صورت طبقه‌بندی شده در ذیل عناوین یادشده مطرح و بررسی شده است؛ با این توضیح که در ذیل هر عنوان، بیت‌ها به ترتیب شماره مطرح شده و شماره بیت‌ها مربوط به چاپ یوسفی است. در استناد به مقدمه و شرح نسخه‌بدلها که در چاپ یوسفی آمده، به شماره صفحه ارجاع داده شده است ولی هر جا بیتی از بوستان یوسفی نقل شده، شماره بیت با حرف «ب» مشخص شده است. در ارجاع به چاپ‌های دیگر بوستان و قصاید و غزلیات سعدی و نیز اشعار شاعران دیگر، به شماره صفحه مربوط استناد شده است.

یافته‌ها

۱. اشکالاتی که به معنای کلمه یا جمله مربوط می‌شود؛ به این نحو که:

یا جمله مبهم است؛ مثل نمونه ۲_۱ (بیت ۲۲۶)

یا کلمه‌ای در آن آمده که معنای آن مناسب متن نیست؛ مثل نمونه‌های ۳_۱ و ۶_۱ (بیت‌های ۵۲۷ و ۲۵۸۶). یا به ابیات قبل از بیت مورد بحث توجهی نشده که می‌توان به نمونه ۴_۱ (بیت ۱۵۲۳) اشاره کرد. یا معنی بیت، خلاف نظر گوینده است؛ چنانکه در نمونه ۹_۱ (بیت ۳۵۵۰) می‌بینیم. این اشکالات جمعاً نه مورد و به ترتیب شماره ابیات از این قرار است:

۱_۱. بیت ۷۲

کتبخانه چند ملت بشت

تیمی که ناکرده قرآن درست

در چاپ قریب و نسخه خطی کتابخانه چستربیتی به جای «چند»، عدد «هفت» ضبط شده است (سعدی، ۱۳۷۲: ۴۲۱) که به لحاظ فصاحت و هم بلاغت بر ضبط متن ترجیح دارد؛ از این جهت که «چند» بر تعداد مبهم دلالت دارد و معنی بیت می‌شود: تیمی که... کتبخانه تعدادی از آیین‌ها را بشست!
در حالی که عدد «هفت» علاوه بر اینکه نشان کامل بودن است، بر شمول نیز دلالت دارد و در نتیجه هفت ملت یعنی همه آیین‌ها:

تیمی که ناکرده قرآن درست کتبخانه هفت ملت بشست

۲_۱. بیت ۲۲۶

طبیعت شود مرد را بخردی به امید نیکی و بیم بدی

این بیت هم از لحاظ معنایی و هم به لحاظ فصاحت، بیت سست و ضعیفی است و بعید است از سعدی باشد؛ چنانکه در چهار نسخه خطی نیامده (سعدی، ۱۳۷۲: ۴۲۵). ضمن اینکه بین بیت قبل و بعد آن، فاصله معنایی ایجاد کرده و به ارتباط عمودی ابیات لطمه زده است. چنانکه با حذف آن، انسجام معنایی و ترتیب منطقی بین بیت ۲۲۵ و ۲۲۷ حفظ می‌شود:

اگر جاده‌ای بایدت مستقیم ره پارسایان امید است و بیم
گر این هردو در پادشه یافتی در اقلیم و ملکش پنه یافتی

۳_۱. بیت ۵۲۷

وگر زنده دارد شب دیرتاز بخسبند مردم به آرام و ناز

واژه «دیرتاز» در هفت نسخه به صورت «دیرباز» و در پنج نسخه به صورت «دیریاز» ضبط شده (سعدی، ۱۳۷۲: ۴۳۲) که ضبط اخیر، مناسبتر است و ارجح بر دو ضبط نخست؛ زیرا «دیرتاز» صفتی است که در مورد اسب یا حیوانی به کار می‌رود که تاخت ممتد و طولانی دارد. (دهخدا، ذیل دیرتاز) واژه «دیرباز» هم که در بعضی نسخ آمده، به معنی روزگار قدیم یا قدیم‌الایام است. در حالی که «دیریاز» به معنی دیرکشنده، دیرنده و دراز (همان، ذیل دیریاز)، به‌ویژه در شاهنامه بارها به عنوان صفت برای شب به کار رفته است:

اگر چند باشد شب دیریاز برو تیرگی هم نماند دراز

(فردوسی، ۱۹۶۶: ج ۲: ۲۰۸)

در قرن هفتم این واژه بسامد کمتری در متون دارد و در شعر سعدی معمولاً برای شب، صفت دراز به کار می‌رود:

شب دراز به امید صبح، بیدارم مگر که بوی تو آرد نسیم اسحارم

(سعدی، ۱۳۶۴: ۵۵۴)

و تنها در بیت مورد بحث صفت «دیریاز» به کار رفته است که چون در ارتباط با بیت قبل است، هر دو بیت نقل می‌شود:

پندارم آسوده خسبد فقیر
بخسبند مردم به آرام و ناز

اگر خوش بخسبد ملک بر سریر
و گر زنده دارد شب دیر یاز

۱_۴. بیت ۱۵۲۳

بدرّد چو گل جامه از دست خار که خون در دل افتاده خندد چو نار
در دو نسخه به جای «بدرّد»، «ندرّد» ضبط شده (سعدی، ۱۳۷۲: ۴۵۶) و با توجه به بیت قبل، بر ضبط متن ترجیح دارد:
کسی را که با دوستی سر خوش است نبینی که چون بار دشمن کش است
ندرّد چو گل جامه از دست خار که خون در دل افتاده خندد چو نار
فاعل «ندرّد» در بیت قبل آمده: کسی که با دوستی سرخوش است، بار دشمن را تحمل می کند و مثل گل نیست که
از دست خار، اظهار بیتابی و ناراحتی کند؛ بلکه مثل انار اگرچه خونین دل است می خندد.

۱_۵. بیت ۲۵۲۰

چنان خار در گل ندیدم که رفت که پیکان او در سپرهای جفت
استاد یوسفی واژه «جفت» را به معنی خمیده دانسته و سخن دکتر احمد تفضلی را نقل کرده که ایشان «چفت» را
صحیح دانسته است به معنای خمیده. (سعدی، ۱۳۷۲: ۳۵۲) اما اگر به معنی بیت و تشبیه به کاررفته دقت کنیم، می بینیم
که از لحاظ معنایی و نیز هنری، اشکالی در ضبط «جفت» یا «چفت» هست. در این بیت شاعر می خواهد قدرت
تیراندازی شخصیت داستان را نشان دهد که پیکانش به راحتی از سپر عبور می کند و خمیده یا غیرخمیده بودن آن
اهمیتی ندارد. در حالی که اگر ضبط حاشیه نسخه اساس (نسخه خطی کلیات متعلق به گرینوی) و چاپهای گراف،
امیرخیزی و ناصح (همان: ۴۷۴) را بپذیریم، که صفت «زفت» برای سپر آمده، علاوه بر جناس خط (رفت/ زفت)،
اغراق بیت هم بیشتر می شود؛ یعنی قدرت او در تیراندازی آنقدر زیاد بود که پیکانش از سپرهای ستبر هم می گذشت:
چنان خار در گل ندیدم که رفت که پیکان او در سپرهای زفت

۱_۶. بیت ۲۵۸۶

که در سینه پیکان تیر تار به از نقل ماکول ناسازگار
واژه «نقل» در این بیت، مفید معنای مناسبی نیست و صورت صحیح آن مطابق ضبط نسخه های متعدد خطی و چاپی،
«ثقل» است (سعدی، ۱۳۷۲: ۴۷۵) به معنای سنگینی که در اینجا سنگینی معده و شکم درد منظور است. (نک: دهخدا،
ذیل ثقل)

برای تأیید این مدعا مرور بخشی از حکایت مربوط، خالی از فایده ای نیست:
شبی گُردی از درد پهلو نخفت طیبی در آن ناحیت بود و گفت:
از این دست کاو برگ رز می خورد عجب دارم از شب به پایان برد

که در سینه پیکان تیر تبار

به از ثقل مأکول ناسازگار

۱_۷. بیت ۲۹۰۵

تو پیدا مکن راز دل بر کسی
که او خود نگوید بر هر کسی
در بعضی نسخ خطی و چاپی به جای «نگوید»، «بگوید» آمده و اگر چه مصحح محترم در شرح نسخه بدلها هر دو وجه را مفید معنی دانسته است (سعدی. ۱۳۷۲: ۴۸۱) ولی «هر کسی» با فعل منفی (نگوید) همخوانی ندارد بلکه با فعل مثبت (بگوید) در تناسب است و شاعر می گوید: راز دل با کسی مگوی؛ زیرا که او قطعا به دیگران خواهد گفت. بنا بر این صورت صحیح بیت می شود:

تو پیدا مکن راز دل بر کسی
که او خود بگوید بر هر کسی

۱_۸. بیت ۲۹۱۰

تو دانی که چون دیو رفت از قفس
نیاید به لاجول کس باز پس
در نسخه کتابخانه چستریتی، به جای «دیو»، «مرغ» آمده (همان) و به دلایل زیر، بر ضبط متن ترجیح دارد:
۱. ارتباط بین مرغ و قفس
۲. شواهدی از سعدی که همین مضمون را به کار برده است؛ یعنی «مرغی که از قفس پرید، دوباره بر نمی گردد». از جمله این بیت:

چو مرغ از قفس رفت و بگسست قید
دگر ره نگرده به سعی تو صید

(سعدی، ۱۳۷۲: ب ۳۷۳۹)

۳. دیو را در شیشه می کنند؛ نه در قفس:

بداندیش را جاه و فرصت مده
عدو در چه و دیو در شیشه به

(همان: ب ۱۶۱۷)

۴. در این بخش از بوستان، سعدی سه تمثیل متفاوت برای حفظ اسرار و اینکه مراقب گفتار خود باشیم، آورده است و بیت حاضر، جدای از تمثیل قبلی است که می گوید:

سخن دیو بندی است در چاه دل
به بالای کام و زبانش مهل

توان باز دادن ره نره دیو
ولی باز نتوان گرفتن به ریو

کما اینکه پس از بیت مورد بحث، تمثیل دیگری نیز می آورد:

یکی طفل بر گیرد از رخس، بند
نیاید به صد رستم اندر کمند

۱_۹. بیت ۳۵۵۰

در اوراق سعدی چنین پند نیست که چون پای دیوار کنندی مایست
این بیت در حکایت معروف سفر هندوستان و مواجه شدن سعدی با بت پرستان آمده که منجر می‌شود به کشته شدن
برهمن و گریختن سعدی:

چو دیدم که غوغایی انگیختم رها کردم آن بوم و بگریختم
و در ادامه با مثالهای گوناگون بر ضرورت فرار کردن از چنین موقعیتی تأکید می‌کند:
چو اندر نیستانی آتش زدی ز شیران پرهیز اگر بخردی
مگش بچه مار مردم گزای چو گشتی، در آن خانه دیگر مپای

...

در اوراق سعدی چنین پند نیست که چون پای دیوار کنندی مایست
بیت اخیر که بیت مورد بحث ماست در چهار نسخه نیامده و ضبط متن هم اشکال اساسی دارد؛ چرا که از لحاظ
معنایی با بیت‌های قبل در تعارض است؛ مگر اینکه ضبط نسخه خطی کلیات سعدی متعلق به آستان قدس رضوی
(سعدی، ۱۳۷۲: ۴۹۳) و چاپ گراف (سعدی، ۱۸۵۸: ۳۹۵) و نسخه خطی متعلق به میناسیان را بپذیریم که به جای
«چنین»، «جز این» ضبط شده است:

در اوراق سعدی جز این پند نیست که چون پای دیوار کنندی مایست

۲. اشکالاتی که با سبک سخن سعدی همخوانی ندارد. چه از لحاظ فصاحت کلام یا انتخاب واژه مناسب و
چه از لحاظ آرایه‌های ادبی؛ مثل نمونه ۲_۴ (بیت ۲۲۶۸). این اشکالات به شش مورد می‌رسد:

۲_۱. بیت ۴۵۹

بر آفاق اگر سر به سر پادشاست چو مال از توانگر ستاند گداست
در دو نسخه خطی به جای «توانگر»، «رعیت» ضبط شده و به نظر مناسبتر است؛ چرا که مال ستاندن از توانگر چندان
عجیب و عیب نیست که ستاندن مال از فقیر (مسکین، درویش، رعیت و...)؛ چنان که در بیت بعد می‌گوید:
بمرد از تهیدستی آزادمرد ز پهلوی مسکین شکم پر نکرد

۲_۲. بیت ۱۴۴۰

مگر بر تو نام آوری حمله کرد؟ نیاوردی از ضعف تاب نبرد
در نسخه خطی کتابخانه چستریتی که «تاریخ تحریر قسمت عمده آن بعد از ۶۸۳ ق. است» (سعدی، ۱۳۷۲: ۱۴) به
جای «نام‌آور» واژه «زور‌آور» ضبط شده (همان: ۴۵۴) که از لحاظ معنایی ارجح است؛ زیرا در مواردی که سخن از
قدرت و شجاعت است، سعدی همین واژه را به کار برده است؛ از جمله:
یکی پنجه آهنین راست کرد که با شیر زور‌آوری خواست کرد

(همان: ب ۱۷۹۶)

نه هر که دعوی زورآوری کند با ما

به سر برد، که سعادت به پهلوانی نیست

(سعدی، ۱۳۶۳: ۷۱۰)

بنابراین ضبط صحیح بیت مورد بحث چنین است:

مگر بر تو زورآوری حمله کرد؟
نیاوردی از ضعف تاب نبرد

۲_۳. بیت ۲۱۳۸

چو بدعهد را نیک خواهی ز بهر
چه بد خواستی بر سر خلق شهر

این بیت اگرچه در نسخه‌ی اساس (نسخه خطی کلیات سعدی متعلق به گرینوی) که به گفته‌ی دکتر یوسفی «نسخه‌ای است کامل و معتبر» (سعدی، ۱۳۷۲: ۱۳) نیامده (همان: ۴۶۸) ولی دکتر یوسفی با توجه به چند نسخه‌ی دیگر، آن را در متن و در میان گروه آورده است؛ که منطقی به نظر نمی‌رسد. زیرا سعدی همین مطلب را در بیت قبل به فصاحت و زیبایی بیان کرده است:

کسی گفتش: ای قدوه‌ی راستی
بر این بد چرا نیکویی خواستی؟

و بعید است همین مضمون را دوباره و بلافاصله بعد از این بیت، در بیتی سست و ضعیف بیان کند. در واقع تکرار مطلب در حکایتی موجز، آن هم با بیانی غیرفصیح، با سبک سعدی سازگاری ندارد. گفتنی است که بیت مورد بحث در نسخه‌ی خطی کلیات سعدی متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی هم نیامده است. (همان)

۲_۴. بیت ۲۲۶۸

چرا کرد باید نماز از نشست؟
چو در رقص بر می‌توانند جست

در نسخه‌ی خطی کلیات سعدی کتابخانه‌ی هند در لندن این بیت نیامده (همان: ۴۷۰) و با اینکه در تصحیح بوستان به این نسخه که «نسخه‌ای است معتبر، توجه خاص شده» (همان، ۱۵) عجیب است که چنین بیت سست و غیرفصیحی در متن گنجانده شده است؛ به ویژه که در بیت پیش از آن، همین مطلب با زبانی شیوا و رسا بیان شده است:

مبین در عبادت که پیرند و سست
که در رقص و حالت جوانند و چست

۲_۵. بیت ۲۶۳۵

گرت صورت حال، بد یا نکوست
نگارنده‌ی دست تقدیر، اوست

در نسخه کتابخانه پاریس و چاپهای گراف، امیرخیزی و ناصح (سعدی، ۱۳۷۲: ۴۷۶)، مصرع دوم به گونه‌ی دیگری ضبط شده:

گرت صورت حال، بد یا نکوست
نگاریده‌ی دست تقدیر اوست

هر دو ضبط، گویای این باور است که فاعل حقیقی خداست؛ با این تفاوت که ضبط نخست می‌گوید: خداوند، نگارنده دست تقدیر است و ضبط دوم می‌گوید: صورت حال، چه خوب باشد چه بد، دست تقدیر الهی آن را نقش کرده است. به استناد بیتهایی از سعدی و شاعران دیگر که افعال را به تقدیر و قضا و قدر یا دست تقدیر خداوند اسناد داده‌اند:

پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار
(سعدی، ۱۳۶۳: ۷۲۰)

دست تقدیر آسمان را پی کند گر دور او گام بردارد نه بر وفق مراد و کام تو
(انوری، ۱۳۷۲: ۷۲۶)

چون مصفا گشتی از اوصاف نفسانی، تو را دست تقدیر تعالی گوید: ای سید تعال
(سنایی، ۱۳۸۸: ۳۵۳)

می‌توان گفت ضبط نسخه‌بدهای یادشده، صحیح و بر ضبط متن ارجحیت دارد:
گرت صورت حال، بد یا نکوست نگاریده دست تقدیر اوست

۲_۶. بیت ۳۶۵۹

کنونت که چشم است اشکی بیار زبان در دهان است عذری بیار
در چهار نسخه خطی (همان: ۴۹۴)، مصرع دوم به این صورت ضبط شده: «کنون کت زبان است عذری بیار» که به دلایل زیر، بر ضبط متن ترجیح دارد:
۱. با ساختار مصرع اول همسان است.
۲. از لحاظ معنایی دقیق‌تر است.

۳. جمله «زبان در دهان است» به دلیل حشوی که در آن است (در دهان)، فصاحت «کنون کت زبان است» را ندارد. بنا بر این ضبط ارجح که به زبان سعدی نزدیکتر است، چنین است:

کنونت که چشم است اشکی بیار کنون کت زبان است عذری بیار

۳. اشکالاتی که مربوط به نحو کلام است و جمله از لحاظ نحوی فصیح نیست که در چهار بیت می‌بینیم:

۳_۱. بیت ۲۴۳

بسی برنیاید که بنیاد خود بکند آن که بنهاد بنیاد بد
در سه نسخه به جای «برنیاید»، فعل به صورت ماضی (برنیامد) است (همان) و با توجه به فعلهای بعد (بکند و بنهاد) که ماضی هستند، ضبط «برنیامد» صحیح است و استفاده از فعل ماضی در جهت عبرت‌آموزی از گذشتگان است.

به عبارتی می‌توان گفت: «برنیاید» در صورتی صحیح است که فعلهای بعد هم مضارع باشد؛ مانند بیت زیر:

بسی برنیاید که خاکش خورد دگر باره بادش به عالم برد (سعدی، ۱۳۷۲: ب ۲۴۹۸)

با این توضیحات، ضبط صحیح بیت چنین است:
بسی برنیامد که بنیاد خود بکند آن که بنهاد بنیاد بد

۳_۲. بیت ۴۸۰

گرفتیم عالم به مردی و زور ولیکن نبردیم با خود به گور
این بیت، آخرین بیت از حکایت کوتاه زیر است:

شیدم که جمشید فرخ سرشت به سرچشمه‌ای بر به سنگی نوشت:

بر این چشمه چون ما بسی دم زدند برفتند چون چشم بر هم زدند

گرفتیم عالم به مردی و زور ولیکن نبردیم با خود به گور

اشکال بیت مورد بحث در این است که فعل در هر دو مصرع برخلاف بیت قبل، به صورت اول شخص آمده (گرفتیم و ببردیم) و این عدم تطابق هیچ وجهی ندارد.

در حالی که در بعضی نسخ (سعدی، ۱۳۷۲: ۴۳۱)، فعلهای این بیت، مطابق بیت قبل به صورت سوم شخص آمده و ضبط صحیح همین است:

گرفتند عالم به مردی و زور ولیکن نبردند با خود به گور

۳_۳. بیت ۲۲۷۶

یکی کرده بی آبرویی بسی چه غم داردش ز آبروی کسی؟

در این بیت ضمیر «ش» در «داردش» زاید است و صورت صحیح بیت، مطابق هفت نسخه خطی و چاپهای گراف، قریب، امیرخیزی و رستم علی اف (سعدی، ۱۳۷۲: ۴۷۰) چنین است:

یکی کرده بی آبرویی بسی چه غم دارد از آبروی کسی؟

همین بیت با ضبط اخیر، عیناً در گلستان سعدی تصحیح خود دکتر یوسفی نیز آمده است. (سعدی، ۱۳۷۷: ۱۴۵)

۳_۴. بیت ۳۶۳۶

که گفتت به جیحون در انداز تن؟ چو افتاد هم دست و پای بزن

حذف شناسه دوم شخص در فعل «افتاد» وجهی ندارد و بهتر است ضبط نسخه بدلها (سعدی، ۱۳۷۲: ۴۹۴) را بپذیریم:

که گفتت به جیحون در انداز تن؟ چو افتاده‌ای دست و پای بزن

۴. اشکالاتی که ناشی از بی‌توجهی به رسم الخط متن است:

۴_۱. بیت ۳۲

قدیمی نکو کار نیکی پسند به کلک قضا در رحم نقشند

در این بیت که در آغاز بوستان و در نیایش خداوند آمده است، به بعضی از صفات باری تعالی اشاره شده است؛ از جمله: قدیم، نکوکار و نیکی پسند. اشکال متن بر سر ضبط واژه «قدیم» است که حرف «ی» بعد از آن نه به عنوان یای نسبت پذیرفتنی است و نه به عنوان یای تعظیم و تفخیم و جهی دارد. می توان گفت یایی که بعد از «قدیم» آمده به اصطلاح یای بدل از کسره است که گاه برای نشان دادن کسره به کار می رفته است و بهتر است در چنین مواردی از رسم الخط امروز، تبعیت شود؛ یعنی بدون حرف «ی» و ترجیحاً با کسره اضافه بیاید:

قدیم نکوکار نیکی پسند به کلک قضا در رحم نقشبند

گفتنی است که در پنج نسخه خطی و همچنین در چاپهای قریب، گراف (سعدی، ۱۳۷۲: ۴۲۰) و امیرخیزی (سعدی، ۱۳۱۰: ۲)، واژه «قدیم» بدون «ی» ضبط شده و تأییدی است بر نظر نگارنده.

۴_۲. بیت ۳۳۲۵

چو نافش بریدند روزی گسست به پستان مادر در آویخت دست

در شش نسخه خطی و پنج نسخه چاپی (سعدی، ۱۳۷۲: ۴۸۹)، بعد از فعل «بریدند» حرف ربط «و» آمده و نشان می دهد که اشکال ضبط متن مربوط به رسم الخط است؛ زیرا گاهی حرف ربط «و» را نمی نوشتند و گاهی به جای آن، روی حرف قبل علامت ضمه می گذاشتند. در هر صورت لازم است مواردی از این قبیل هنگام تصحیح مورد توجه قرار گیرد و مطابق رسم الخط جدید ویرایش شود:

چو نافش بریدند روزی گسست به پستان مادر در آویخت دست

۴_۳. بیت ۳۶۳۲

قضا روزگاری ز من در ربود که هر روزی از وی شبی قدر بود

«شبی قدر» از لحاظ نحوی و معنایی، محلّ فصاحت است و به نظر می رسد یایی که بعد از شب آمده، نشانه کسره است؛ نه یای وحدت؛ چرا که شاعر هر روزی را که از عمرش گذشته به شب قدر مانند کرده است. بنا بر این صحیح آن، «شب قدر» است؛ چنان که در دو نسخه خطی آستان قدس و پاریس و چاپهای گراف، امیرخیزی و ناصح (سعدی، ۱۳۷۲: ۴۹۳) چنین است:

قضا روزگاری ز من در ربود که هر روزی از وی شب قدر بود

۴_۴. بیت ۳۶۹۵

خیالش خرف کرده کالیورنگ به مغزش فرو برده خرچنگ، چنگ

در پنج نسخه خطی (سعدی، ۱۳۷۲: ۴۹۵) و چاپهای فروغی (سعدی، ۱۳۶۳: ۳۸۴)، قریب (سعدی، ۱۳۴۶: ۲۰۲)، گراف (سعدی، ۱۸۵۸: ۴۱۰) و امیرخیزی (سعدی، ۱۳۱۰: ۲۳۱) به جای «خرف کرده»، «خرف کرد و» ضبط شده و بدیهی است که از لحاظ نحوی و معنایی بر ضبط متن، مرجح است:

۵. اشکالاتی که به ارتباط عمودی ابیات مربوط می‌شود:

۱_۵. ابیات ۲۶۱ تا ۲۷۶

۲۶۱. بزرگان مسافر به جان پرورند
 ۲۶۲. تبه گردد آن مملکت عن قریب
 که نام نکویی به عالم برند
 کز او خاطر آزرده آید غریب

...

۲۶۵. ز بیگانه پرهیز کردن نکوست
 که دشمن توان بود در زی دوست

۲۶۶. قدیمان خود را بیفزای قدر
 که هرگز نیاید ز پرورده غدر

....

۲۷۲. غریبی که پر فتنه باشد سرش
 میازار و بیرون کن از کشورش

....

از بیت ۲۶۱ تا ۲۶۵ سخن بر سر این است که با بیگانگان، اعم از مسافر و مهمان و سیاح، به نیکویی رفتار کن و در عین حال از آسایشان برحذر باش. از بیت ۲۶۶ تا ۲۷۱ به حق شناسی و قدردانی از خدمتگزاران قدیم توصیه می‌کند و با حکایتی کوتاه در این باره سخن را به پایان می‌برد.

اما در بیت ۲۷۲ دوباره از حضور بیگانگان و شیوه رفتار با «غریبی که پرفتنه باشد سرش»، سخن می‌گوید که ارتباطی با موضوع قبل ندارد و به نظر می‌رسد دنباله مطلبی است که در ابیات ۲۶۱ تا ۲۶۵ آمده است که به رفتار نیک و در عین حال محتاطانه با بیگانگان توصیه می‌کند و بدیهی است که در ادامه از بیگانگان آشوبگر و فتنه‌انگیز و نحوه رفتار با آنها یاد کند.

در واقع بیت‌های ۲۶۶ تا ۲۷۱ باید بعد از این ابیات بیاید؛ چنان که در چاپ فروغی (سعدی، ۱۳۶۳: ۲۱۳)، ناصح (سعدی، ۱۳۷۱: ۵۵) و خزائلی (سعدی، ۱۳۶۶: ۷۲) نیز این ترتیب رعایت شده است:

بزرگان مسافر به جان پرورند
 تبه گردد آن مملکت عن قریب
 غریب آشنا باش و سیاح دوست
 نکو دار ضیف و مسافر عزیز
 ز بیگانه پرهیز کردن نکوست
 غریبی که پر فتنه باشد سرش
 که نام نکویی به عالم برند
 کز او خاطر آزرده آید غریب
 که سیاح، جلاب نام نکوست
 وز آسایشان برحذر باش نیز
 که دشمن توان بود در زی دوست
 میازار و بیرون کن از کشورش

.....

* * *

قدیمان خود را بیفزای قدر که هرگز نیاید ز پرورده غدر

.....

۲_۵. بیت ۱۱۸۰ تا ۱۱۸۲

زیان می کند مرد تفسیردان که علم و ادب می فروشد به نان
کجا عقل یا شرع فتوا دهد که اهل خرد دین به دنیا دهد
ولیکن تو بستان که صاحب خرد از ارزان فروشان به رغبت خرد

این سه بیت در باب دوم (در احسان) و در میان ابیاتی آمده که در آن، سخن از جود و بخشش است و هیچ ربطی به ابیات قبل و بعد ندارد؛ چنان که قبل از این سه بیت، حکایتی درباره حضرت ابراهیم با موضوع جود و احسان آمده و در ذیل «گفتار اندر احسان با نیک و بد» بیت ۱۱۷۹ آمده:

گره بر سر بند احسان مزن که این زرق و شید است و آن مکر و فن
و بلافاصله بعد از این بیت، سه بیت مورد بحث آمده و در ادامه حکایتی نقل می شود با این مضمون که: مرد شیادی نزد عارفی می رود و به بهانه نجات از دست طلبکار سنگدل، تقاضای ده درم می کند. عارف پولی به او می دهد و در جواب کسانی که بر او خرده می گیرند که چرا فریب چنین شیادی را خورده است می گوید:

اگر راست بود آنچه پنداشتم ز خلق آبرویش نگه داشتم
و گر شوخ چشمی و سالوس کرد الا تا نینداری افسوس کرد
که خود را نگه داشتم آبروی ز دست چنان گربزی یافه گوی...

کاملاً روشن است که حکایت مورد نظر در ادامه بیت ۱۱۷۹ و در تأیید این بیت است که می گوید: با این بهانه که فلان اهل مکر و حيله است، بذل و بخشش از او دریغ مکن. در واقع ترتیب ابیات بدون سه بیت مورد بحث اینگونه خواهد بود:

گره بر سر بند احسان مزن که این زرق و شید است و آن مکر و فن
حکایت عابد با شوخ دیده:

زبان دانی آمد به صاحب دلی که محکم فرومانده ام در گلی...
باری سه بیت مورد بحث، زاید و مربوط به جایی دیگر و احتمالاً مربوط به باب هفتم (در عالم تربیت) است.

۳_۵. بیت ۲۹۱۴ تا ۲۹۲۰

مگویی آنچه طاقت نداری شنود که جو کشته گندم نخواهی درود
چه نیکو زده ست این مثل برهمن بود حرمت هر کس از خویشتن
چو دشنام گویی دعا نشوی به جز کشته خویشتن ندروی

از اندازه بیرون وز اندازه کم	مگویی و منه تا توانی قدم
که مر قیمت خویش را بشکنی	نباید که بسیار بازی کنی
جهان از تو گیرند راه گریز	وگر تند باشی به یک بار و تیز
نه زجر و تطاول به یک بارگی	نه کوتاه دستی و بیچارگی

در این بخش، نکاتی چند در آیین سخن گفتن آمده و در پایان، حکایتی نقل شده که در آن از درویشی خوب خُلق ولی جاهل سخن رفته که مریدان زیادی به دیدارش می آمدند تا اینکه روزی کلامی بر زبان می آورد که جهل و نادانی او آشکار می شود و در نتیجه همه از گردش پراکنده می شوند. این حکایت ربطی به ابیات قبل ندارد ولی با بیت قبل از این ابیات یعنی بیت ۲۹۱۳ کاملاً در ارتباط است و به نظر می رسد دنباله این بیت باشد:

به دهقان نادان چه خوش گفت زن: به دانش سخن گوی یا دم مزن

گفتنی است که این ابیات در شش نسخه خطی نیامده است (سعدی، ۱۳۷۲: ۴۸۲). بنابراین می توان گفت: ابیات ۲۹۱۴ تا ۲۹۲۰ زاید است، یا متعلق به جای دیگری است.

نتیجه گیری

- مجموع اشکالات مربوط به تصحیح بوستان که در این مقاله بررسی شده است، به پنج دسته می توان تقسیم کرد:
- ۱) اشکالاتی که به معنای کلمه یا جمله مربوط می شود؛ به این نحو که یا جمله مبهم است یا کلمه ای در آن آمده که معنای آن مناسب متن نیست؛ یا به ابیات قبل از بیت مورد بحث توجهی نشده و یا معنی بیت، خلاف نظر گوینده است.
 - ۲) اشکالاتی که ناشی از بی توجهی به سبک سخن سعدی است، چه از لحاظ فصاحت کلام یا انتخاب واژه مناسب و چه از لحاظ آرایه های ادبی.
 - ۳) بعضی اشکالات مربوط به نحو کلام است و جمله از لحاظ نحوی فصیح نیست.
 - ۴) چهار مورد از اشکالات، ناشی از بی توجهی به رسم الخط است.
 - ۵) اشکال دیگر مربوط می شود به ارتباط عمودی ابیات که حاصل جابجایی ابیات است و لازم است هنگام تصحیح بدان توجه شود.
- ابیاتی که بررسی شد، نمونه هایی است از اشکالات مربوط به تصحیح بوستان و بایسته است در استناد به این اثر ارزشمند، از ضبط نسخه بدلها غافل نباشیم.

ORCID

Masume Musayi

<http://orcid.org/0000-0002-1847-6467>

منابع

- انوری، اوحدالدین محمد. (۱۳۷۲). دیوان. جلد دوم. به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی. چ ۳. تهران: علمی و فرهنگی. دهخدا. لغتنامه
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۴۶). بوستان. به اهتمام و تصحیح و حواشی عبدالعظیم قریب. چ ۲. تهران: علمی. _____
- _____. (۱۳۶۶). بوستان. شرح محمد خزائلی. چ ۶. تهران: جاویدان. _____
- _____. (۱۳۶۸). بوستان. به کوشش نورالله ایزدپرست. تهران: دانش. _____
- _____. (۱۳۷۱). بوستان. شرح اشعار و حواشی از محمدعلی ناصح. به کوشش خلیل خطیب رهبر، چ ۲. تهران: صفی‌علیشاه. _____
- _____. (۱۳۷۲). بوستان. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. چ ۴. تهران: خوارزمی. _____
- _____. (۱۸۵۸ م.). بوستان. تصحیح و شرح گراف. وین. _____
- _____. (بی‌تا). نسخه خطی متعلق به کارو میناسیان. تاریخ کتابت: ۱۳۱۶ ق. _____
- _____. (۱۳۱۰). سعدی‌نامه یا بوستان. تصحیح اسمعیل امیرخیزی. تبریز: کتابخانه ادبیه. _____
- _____. (۱۳۶۳). کلیات. به اهتمام محمدعلی فروغی. چ ۴. تهران: امیرکبیر. _____
- _____. (۱۳۷۷). گلستان. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. چ ۵. تهران: خوارزمی. _____
- سنایی، مجدودبن آدم. (۱۳۸۸). دیوان. به سعی و اهتمام محمدتقی مدرس رضوی. چ ۷. تهران: سنایی. _____
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۹۶۶ م.). شاهنامه. تصحیح ی. برتلس و همکاران. ۹ جلد. ج ۱. مسکو. _____
- مؤید شیرازی، جعفر. (۱۳۷۷). باز یافت بوستانی‌های سعدی. شیراز: ایما. _____

References:

- Anvari, M. (1993). Divan, corrected by Mohammad Taqi Modares Razavi, Tehran: Elmi-Farhangi.
- Dehkhoda, A. A. (1998). Dictionary, Tehran: Tehran university.
- Sa'di, M. (1967). Bustan, corrected by Abd-Al-Azim Qarib, Tehran: Elmi.
- Sa'di, M. (1987). Bustan, described by Mohammad Khaza'eli, Tehran: Javidan.
- Sa'di, M. (1989). Bustan, corrected by Nurollah Izadparast, Tehran: Danesh.

- Sa'di, M. (1992). *Bustan*, described by Mohammad Ali Naseh and Khalil Khatib Rahbar, Tehran: Safi Alishah.
- Sa'di, M. (1993). *Bustan*, corrected and described Gholamhossein Yousefi, Tehran: KHarazmi.
- Sa'di, M. (1858). *Bustan*, corrected and described by Graf, K. H. Vienna.
- Sa'di, M. (1898). Manuscript of *Bustan*, belongs to C. Minasian.
- Sa'di, M. (1931). *Bustan*, corrected by Isma'il Amirkhizi, Tabriz: Adabiya.
- Sa'di, M. (1984). *Kolliat*, corrected by Mohammad Ali Forughi, Tehran: Amirkabir.
- Sa'di, M. (1998). *Golestan*, , corrected and described by Gholamhossein Yousefi, Tehran: KHarazmi.
- Sanayi, M. (2009). *Divan*, corrected by Mohammad Taghi Modares Razavi, Tehran: Sanayi.
- Ferdowsi, A. *Shahname*, corrected by E.E. Berthels, Moscow.
- Mo'ayyed Shirazi, J. (1998). *Bazyaft-e Bustaniha-ye sa'di* (research about a few verses of Saadi's *Bustan*), Shiraz:Ima.